



The role of the United States in escalating tensions in West Asia after the October 7, 2023 operation

Rahbar Taleihur¹ | Samira Alinasab²

Abstract

The October 7, 2023 operation is recognized as a pivotal event in the developments of West Asia, exerting profound impacts on regional and global policies. The United States, as a key strategic actor in political, economic, and military affairs, has played a significant role in the dynamics of West Asia, where its interventions have at times fueled tensions and at other times contributed to stability. Thus, the objective of this study is to examine the role of the U.S. in escalating tensions in West Asia following the October 7, 2023 operation. Accordingly, the main research question is formulated as follows: "What role has the U.S. played in exacerbating tensions in West Asia after the October 7, 2023 operation?" In response to this question, the hypothesis of the study is articulated as follows: "After the October 7 operation, the U.S., through its political-diplomatic, financial, military, and media support for the Zionist regime, has played a significant role in intensifying regional tensions." This research adopts a qualitative approach, employing a documentary research method based on descriptive-analytical analysis, with data collected from library sources. The findings indicate that the U.S. role in deepening crises and its persistent interventions in regional affairs—particularly in supporting the policies of the Zionist regime—has emerged as a key factor in destabilizing West Asia and escalating tensions in the region.

Keywords: United States of America, Zionist regime, remote balancing, West Asia region, Operation October 7

1. Associate Professor of International Relations, Department of Political Science, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran
R.talei@uma.ac.ir

2. Master's student in Regional Studies, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran
samiraalinasab0@gmail.com

DOR: 20.1001.1.25381857.1404.18.66.4.4





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۳۱

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۳۶۴۵-۵۲۵۰



نقش ایالات متحده آمریکا در تشدید تنش در غرب آسیا بعد از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳

رهبر طالعی حور^۱ | سمیرا عالی نسب^۲

چکیده

عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به عنوان یک رویداد مهم در تحولات غرب آسیا شناخته می‌شود که تاثیر عمیقی بر سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی داشته است. آمریکا به عنوان یک بازیگر مهم و استراتژیک در مسائل سیاسی، اقتصادی و نظامی شناخته می‌شود که دخالت‌های آن در تحولات منطقه غرب آسیا، گاهی به تنش‌ها و گاهی به برای برقراری ثبات منجر شده است. بنابراین هدف این پژوهش بررسی نقش آمریکا در تشدید تنش در غرب آسیا بعد از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ است که متناسب با هدف، سؤال اصلی مقاله این است که آمریکا بعد از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ چه نقشی در تشدید تنش در غرب آسیا داشته است؟ در پاسخ به سؤال پژوهش فرضیه به این صورت طرح می‌گردد که بعد از عملیات ۷ اکتبر، آمریکا با حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک، مالی، تسلیحاتی و رسانه‌ای از رژیم صهیونیستی نقش مهمی در تشدید تنش ایفا کرده است. رویکرد پژوهش کیفی بوده و روش انجام آن مطالعه اسنادی مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد، همچنین از منابع کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر این امر است که، نقش آمریکا در تشدید بحران‌ها و مداخلات مداوم آن در مسائل منطقه‌ای، به ویژه در حمایت از سیاست‌های رژیم صهیونیستی، به یکی از عوامل کلیدی در بی‌ثباتی و افزایش تنش‌ها در غرب آسیا تبدیل شده است.

کلیدواژه‌ها: ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی، موازنه از راه دور، منطقه غرب آسیا، عملیات ۷ اکتبر

۱. دانشیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

DOR: 20.1001.1.25381857.1404.18.66.4.4



نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

منطقه غرب آسیا از دیرباز به دلیل ویژگی عمده‌ای که از نظر منابع انرژی دارد، مورد توجه قدرت‌های بزرگ دنیا به خصوص آمریکا بوده است. غرب آسیا به عنوان یک منطقه استراتژیک و تاریخی، از اهمیت زیادی برخوردار است. این منطقه در تقاطع سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار دارد و به همین دلیل به عنوان یک مسیر تجاری و ارتباطی کلیدی شناخته می‌شود، غرب آسیا یکی از بزرگترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت و گاز در جهان است. کشورهای این منطقه به ویژه عربستان سعودی، ایران، عراق و امارات متحده عربی، منابع طبیعی عظیمی دارند که نقش حیاتی در تامین انرژی جهانی ایفا می‌کند و همین امر موجب شده، قدرت‌های بزرگ در این منطقه حضور داشته و به رقابت با هم پردازند که یکی از مهم‌ترین آنها آمریکا است که بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان یک قدرت جهانی جدید به منطقه غرب آسیا توجه بیشتری داشته است. ایالات متحده آمریکا از زمان حضور در منطقه دارای اهدافی بوده که این اهداف بسیار پیچیده و چند وجهی است و بسته به موقعیت‌های زمانی و سیاسی، این اهداف ممکن است تغییر یابند. تضمین دسترسی به منابع انرژی، حمایت از امنیت رژیم صهیونیستی، مقابله با تهدیدات تروریستی و مقابله با نفوذ ایران از جمله اهدافی است که آمریکا در منطقه غرب آسیا دنبال می‌نماید و راهبردها و سیاست‌های آن کشور متناسب با این اهداف طرح‌ریزی و اجرا می‌شود. بنابراین حضور دیرینه آمریکا و هدف راهبردی‌اش در منطقه، مستقیماً بر شکل‌گیری تحولات و رویدادهای مهم تاثیر داشته است که یکی از مهم‌ترین این رویدادها، عملیات طوفان الاقصی بود که در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ اتفاق افتاد. این عملیات توسط نیروهای حماس علیه رژیم صهیونیستی و در واکنش به جنایات آن رژیم در کشتار فلسطینیان و هتک حرمت مسجدالاقصی در منطقه مرزی میان غزه و سرزمین‌های اشغالی فلسطین و در ۱۵ مهر ۱۴۰۲ ش (۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ م) آغاز و تا چندین روز ادامه داشت که این عملیات تحولاتی جدید را در منطقه به وجود آورده و موجب تنش و درگیری در یک سال اخیر در منطقه شده است که به نظر می‌آید آمریکا با در پیش گرفتن سیاست‌هایی مبتنی بر راهبرد موازنه از راه دور در تشدید تنش نقش موثری داشته است. بنابراین، هدف این پژوهش بررسی نقش آمریکا در تشدید تنش در غرب آسیا بعد از عملیات طوفان الاقصی است که متناسب با هدف، سؤال اصلی مقاله این است که آمریکا بعد از عملیات طوفان

الاقصى چه نقشی در تشدید تنش در غرب آسیا داشته است؟ پژوهش حاضر به دنبال بررسی این فرضیه است که بعد از عملیات ۷ اکتبر، آمریکا با حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک، مالی، تسلیحاتی و رسانه‌ای از رژیم صهیونیستی نقش مهمی در تشدید تنش در منطقه غرب آسیا داشته است.

ادبیات نظری

تبیین علمی رویدادها و پدیده‌های بین‌المللی نیازمند بهره‌گیری از نظریه‌هایی است که مفروضه‌های آن بیشترین همخوانی را با واقعیت داشته باشد. با توجه به ماهیت بحث در این مقاله، «نظریه موازنه از راه دور» به عنوان چارچوب نظری برای این نوشتار مورد استفاده قرار می‌گیرد. موازنه از راه دور^۱ یک راهبرد در سیاست بین‌الملل است که توسط جان مرشایمر^۲ و استفان والت^۳ مطرح شده است. آنها در مقاله‌ای که در سال ۲۰۱۶ در مجله فارین افرز منتشر کردند، مدل جایگزینی را برای سیاست خارجی ایالات متحده پیشنهاد دادند. از نظر آنها منافع حیاتی در آمریکا در برگیرنده مواردی چون «تأمین امنیت»، «رفاه اقتصادی» و «ارزش‌های اساسی آمریکا و متحدان این کشور در اروپا، شرق و غرب آسیاست». بنابراین راهبرد موازنه از راه دور به آمریکا این امکان را می‌دهد تا ضمن دور ماندن از مناقشه‌ها، منافع حیاتی خود را تأمین کرده و تنها زمانی از نیروهای نظامی خود استفاده کند که ضرورتی حیاتی وجود دارد. به طور خلاصه، آمریکا با واگذاری مسئولیت به دیگران، آنها را درگیر منازعات کرده و خود از دور آنها را کنترل می‌نماید (Mohammadzadeh Ebrahimi et al, 2016: 97).

به تعبیر مرشایمر و والت، موازنه از راه دور به معنای انزوا و یا انفعال ایالات متحده آمریکا نخواهد بود، بلکه هدف اصلی در این راهبرد جلوگیری از کسب هژمونی مطلق توسط یک کشور در مناطق مختلف جهان است. آمریکا باید از طریق ایجاد موازنه میان بازیگران مختلف اطمینان حاصل کند که هیچ قدرت هژمونی در اروپا، شرق آسیا و غرب آسیا دست برتر را نسبت به سایرین پیدا نخواهد کرد. برای این کار آمریکا باید به طور فعال نسبت به تشکیل شبکه‌ای از متحدین و شرکای خود اقدام کند اما این به معنای مداخله و حضور نظامی مستقیم نیست.

1. Offshore Balancing
2. John Mearsheimer
3. Stephen Walt

(Mersheimer & Walt, 2016:73). بنابراین راهبرد موازنه از راه دور نه تنها به معنای منفعل بودن آمریکا در مدیریت مناطق مختلف در نظام بین الملل نبوده، بلکه با مدیریت فعال این کشور از ظهور یک قدرت هژمون در نقاط مهم دنیا جلوگیری می شود. به عبارت دیگر، با ایجاد موازنه بین قدرت های منطقه ای در مناطق مختلف جهان، اجازه هژمون شدن به هیچ یک از آن قدرت ها داده نمی شود. براساس این راهبرد، حتی اگر قرار بر این باشد ایالات متحده آمریکا در منازعات مناطق مختلف جهان مداخله مستقیمی کند، باید آخرین کشوری باشد که این کار را انجام می دهد. در حقیقت اندیشمندان این نظریه اعتقاد دارند آمریکا به جای «آغازگر جنگ» باید «پایان دهنده جنگ» باشد و بدون صرف کمترین هزینه ای، به عنوان کشور ناجی شناخته شود (Ahouei, 2016: 51). از این رو، برای جلوگیری از تحمیل هزینه های سنگین به آمریکا، سیاست گذاران این کشور راهبرد موازنه از راه دور را در پیش گرفته اند که به جای حضور پرهزینه مستقیم، تحولات منطقه را از طریق خود کشورهای منطقه مدیریت کند (Krieg, 2016: 103).

در تعریف کریستوفر لین^۱، موازنه از راه دور یک راهبرد موازنه قوا و نه یک راهبرد چیرگی است. او معتقد است آمریکا در یک نظام چند قطبی در مقایسه با نظام تک قطبی امنیت بیشتری خواهد داشت، چرا که در نظام چند قطبی امکان تفویض نقش ها و تقسیم هزینه های تأمین امنیت بین الملل وجود دارد؛ اما در نظام تک قطبی همه آنها بر دوش ایالات متحده خواهد بود. آمریکا پس از جنگ جهانی دوم با وجود تحولات بسیار در روابط بین الملل، تنها از یک راهبرد کلان راهبرد چیرگی استفاده کرده است. این موضوع به ویژه پس از پایان جنگ سرد هزینه های غیر ضروری بر آمریکا تحمیل کرده است. او توصیه می کند که آمریکا از اروپا، کره جنوبی و حتی ژاپن خارج شود. (Layne, 1997: 112)

موازنه از راه دور مبتنی بر «احاله مسئولیت»، تقسیم هزینه های جنگ با متحدان منطقه ای و تقدم موازنه سازی درونی بر موازنه سازی بیرونی است. در این چارچوب، دولت هژمون داوطلبانه از مدیریت مناسبات امنیتی کنار می رود، وظیفه حفظ موازنه منطقه ای را به دیگران می سپارد و با ایجاد ثبات، مانع از بسط هژمونی قدرت ها می شود (Gohari Moghaddam and Hazrati, 2022: 133).

1. Christopher Layne

پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	Orhan (2024)	رویکرد آمریکا به حملات ۷ اکتبر و درگیری رژیم صهیونیستی و حماس در چارچوب گفتمان‌های آنتونی بلینکن	با بررسی محتوای گفتمانی مصاحبه‌های آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، در رابطه با مناقشه رژیم صهیونیستی به این نتیجه رسیده است که؛ بلینکن نقض حقوق بشر در جریان اقدامات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی را نادیده می‌گیرد و همواره در زبان و ارتباطات خود به امنیت رژیم صهیونیستی اهمیت می‌دهد. سخنان بلینکن چارچوب روابط مذهبی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی را تأیید می‌کند و عدم موفقیت ایالات متحده در ارائه کمک‌های بشردوستانه نیز به دلیل حمایت بی دریغ آمریکا از رژیم صهیونیستی بوده که در صحبت‌های بلینکن منعکس شده است.
۲	Salem (2024)	نقش ایالات متحده بعد از ۷ اکتبر و پیامدهای آن بر روابط ایالات متحده و خاورمیانه	حمله حماس به رژیم صهیونیستی در ۷ اکتبر و واکنش گسترده آن رژیم، منطقه غرب آسیا را در کنار اوکراین و تنش‌ها در دریای چین جنوبی به سرلوحه برنامه سیاست خارجی ایالات متحده بازگرداند. از آن زمان، ایالات متحده برای مهار گسترش درگیری به سایر مناطق غرب آسیا، تلاش می‌نماید.
۳	Gultom & Miftah (2024)	نقش لابی یهودی در سیاست‌گذاری خارجی ایالات متحده در جنگ ۲۰۲۳ رژیم صهیونیستی و فلسطین (مورد آپیک)	به بررسی مناقشه میان رژیم صهیونیستی و فلسطین با تمرکز بر نقش گروه‌های ذینفع، به ویژه کمیته روابط عمومی آمریکا و رژیم صهیونیستی (آپیک) در شکل دادن به سیاست خارجی ایالات متحده پرداخته و تأثیر تلاش‌های لابی آپیک را بر واکنش آمریکا به مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین تحلیل کرده‌اند.

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۴	Shafiei & Golmohammadi (2024)	بررسی نتایج عملیات ۷ اکتبر در رقابت هژمون‌ها و نقش بازیگران منطقه‌ای در غرب آسیا	به این نتیجه رسیده‌اند که برنامه آمریکا در زمین‌گیری روسیه در اوکراین، درگیر کردن چین در تایوان و عادی سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی و فشار بر ایران با شکست یا توقف موقت مواجه شده است.
۵	Alonso (2024)	سیر تحول سیاست خارجی آمریکا در قبال رژیم صهیونیستی: از اوپاما تا ترامپ	به خاستگاه و وضعیت رژیم صهیونیستی به عنوان یکی از قوی‌ترین متحدان ایالات متحده اشاره و با بررسی تحولات در روابط دیپلماتیک بین آمریکا و رژیم صهیونیستی، سیاست‌های حمایتی بیشتر ترامپ از آن رژیم نسبت به اوپاما را مورد تأکید قرار می‌دهد.
۶	Farrokhi Cheshmeh Soltani & Attar (2018)	راهبرد موازنه از راه دور و سیاست خارجی آمریکا (با تأکید بر غرب آسیا)	گرایش آمریکا به راهبرد موازنه از راه دور، نه صرفاً نتیجه شکست سیاست گذشته غرب آسیایی این کشور و هزینه بالای راهبرد دخالت مستقیم، بلکه نتیجه محاسبات سیاست شرق دور آمریکا نیز بوده است.
۷	Motaqi & Bagheri (2004)	نقش گروه افراطی لابی رژیم صهیونیستی در سیاست‌های خارجی آمریکا در غرب آسیا	به این نتیجه رسیده‌اند که، حمایت از رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی آمریکا عمدتاً متأثر از نفوذ گروه‌های یهودی و مجموعه‌های رژیم صهیونیستی محور در حوزه سیاست خارجی می‌باشد و این روند در مسائل و رویدادهای مربوط به غرب آسیا، خلیج فارس و ایران نیاز به بررسی جدی‌تر دارد.

همان گونه که مشخص است تحقیق‌های مورد اشاره به عنوان پیشینه تحقیق، از یکدستی چندانی برخوردار نبوده و تنها می‌توان اشاره به سیاست خارجی آمریکا در قبال رژیم صهیونیستی را به عنوان نقطه اشتراک آن‌ها در نظر گرفت. وجوه افتراق تحقیق‌های گفته شده را باید در نوع متغیرها بدانیم که سیاست خارجی آمریکا در قبال منطقه و رژیم صهیونیستی را با نگاه‌های متفاوتی مورد بررسی قرار داده‌اند که هیچ کدام از آنها پاسخگوی سؤال این مقاله نبوده است و می‌توان گفت در مقایسه با پژوهش‌های صورت گرفته، نوآوری این مقاله در این است که تبیین نقش آمریکا در تشدید تنش در منطقه بعد از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ که در پژوهش‌های انجام شده مورد توجه قرار نگرفته را مورد بررسی قرار می‌دهد، امید است که این مقاله بتواند خلاء پژوهشی موجود در این حوزه را پوشش دهد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی بوده و با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش ایالات متحده آمریکا در تشدید تنش در غرب آسیا بعد از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ می‌پردازد. داده‌های مورد استفاده در این تحقیق عمدتاً از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، شامل مقالات و گزارش‌های علمی و تحلیل‌های کارشناسان حوزه روابط بین‌الملل گردآوری شده است. برای تحلیل داده‌ها، روش تحلیل محتوای کیفی به کار گرفته شده است که امکان بررسی نقش حمایتی ایالات متحده را فراهم می‌سازد.

یافته‌های پژوهش

سیاست خارجی آمریکا در غرب آسیا

یکی از مناطقی که برای قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا بسیار مهم بوده، منطقه غرب آسیا است. که با توجه به اهمیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک این منطقه، قدرت‌های بزرگ تلاش جدی برای حضور و تامین منافع خود در این منطقه داشته‌اند. غرب آسیا با توجه به ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیکی و اهمیتی که در ادوار مختلف تاریخی داشته، محیط امنیتی آن در دوره‌های گذشته، وضعیت‌های متفاوتی را از سر گذرانده است. به طوری که تا جنگ جهانی دوم و حتی

سالیان بعد از آن و به طور مشخص تا سال ۱۹۷۱ میلادی، این منطقه در چارچوب نظام بریتانیایی اداره می‌شد که در آن بیشتر بازیگران در چارچوب قواعد تنظیم شده به وسیله لندن عمل می‌کردند و سیاست دفاعی کشورها بر اساس دوری یا نزدیکی از بریتانیا تعریف می‌شد (Pishgami Fard & Rahman, 2011: 5).

پس از خروج بریتانیا از منطقه غرب آسیا در سال ۱۹۶۸، آمریکا تلاش خود را با هدف نفوذ بیشتر و تامین منافع در این منطقه آغاز کرد. در دهه ۱۹۷۰ نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، برای غرب آسیا طرح دو ستونی را در پیش گرفت که براساس آن، ایران و عربستان سعودی به عنوان دو کشور مهم در منطقه، وظیفه تامین منافع آمریکا در منطقه را عهده‌دار شدند. بر اساس این طرح، آمریکا با اعطای کمک‌های نظامی و اقتصادی به ایران و عربستان سعودی، آن دو کشور را به عنوان تامین کنندگان امنیت در منطقه تقویت می‌کرد (Farrokhi Cheshmeh Soltani & Attar, 2018: 72). بنابراین غرب آسیا از حوزه‌های راهبردی است که به واسطه مختصات برجسته اش، جایگاهی مهم در دکرترین سیاست خارجی آمریکا ایفا می‌کند. از ویژگی‌های این حوزه جغرافیایی موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی، حجم عظیم منابع انرژی و سنت دیرینه تمدنی و مذهبی است. همچنین وجود رژیم صهیونیستی به مثابه هم پیمان راهبردی آمریکا و نیز بازیگران رقیب با هویت‌های ناهمسو و نیز کنشگران ملی و فروملی که بعضی گرایش‌ها ضد آمریکایی دارند، اهمیت این منطقه را در منظومه فکری دستگاه سیاست خارجی آمریکا به خوبی نمایان می‌سازد (Javadi Arjmand, 2016: 183).

آمریکا در منطقه غرب آسیا منافع را دنبال می‌کند که مهم‌ترین این منافع را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- ۱- تضمین امنیت عبور انرژی از منطقه. ۲- تضمین امنیت و بقای رژیم صهیونیستی. ۳- مقابله با تروریسم و بنیادگرایی در منطقه. ۴- جلوگیری از شکل‌گیری هژمون منطقه‌ای مخالف آمریکا و غرب (Ghiyasvandi & Torkashvand, 2017: 17).

سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا تا مدت‌ها معطوف به حفظ حضور خود و حمایت و پشتیبانی از حکومت‌های هم پیمان و حافظ منافع واشنگتن در منطقه بود. حفظ ثبات، به عنوان محور اصلی این رویکرد، شاکله کلی سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا را تشکیل می‌داد. با تقویت و تحرک بیشتر گرایش‌های ضد آمریکایی، سیاستمداران کاخ سفید به سمت اتخاذ رویکرد امنیتی به جای حفظ ثبات

در منطقه تغییر جهت دادند. به گفته جان گلدیس، پس از ۱۱ سپتامبر آمریکا خود را در «جهانی که ناگهان خطرناک شده» یافت (Ghiyasvandi & Torkashvand, 2017: 174).

رابطه آمریکا و رژیم صهیونیستی براساس اتحاد راهبردی که ریشه‌های آن به جنگ سرد برمی‌گردد، شکل گرفته است (Joel Beinin, 2022: 167). میگلینا اعتقاد دارد اتحاد آمریکا با رژیم صهیونیستی در ابتدا بیشتر دلایل داخلی داشت اما پس از شکل‌گیری، رژیم صهیونیستی به عنوان محافظ اصلی منافع استراتژیک آمریکا در منطقه در طول جنگ سرد و پس از آن بوده است (Miglietta, 2022: 22). بنابراین سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا، بیانگر دو مسئله مهم حمایت از متحدان راهبردی و ایجاد بازدارندگی در برابر دشمنان خود در منطقه است. اتحاد راهبردی آمریکا با رژیم صهیونیستی، ایران را در جایگاه رقیب برای آمریکا قرار داده و می‌توان گفت روابط آمریکا و رژیم صهیونیستی، نزدیک‌ترین روابط دو جانبه در میان واحدهای سیاسی در جهان محسوب می‌شود، به طوری که بقاء رژیم صهیونیستی برای تامین منافع آمریکا در منطقه، نقش حیاتی دارد (Balaiah, 2022:5).

عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ یکی از مهم‌ترین تحولاتی بود که توسط شاخه نظامی حماس انجام شد. هر چند می‌توان اقدام حماس را بر پایه وضعیت اشغال و حق تعیین سرنوشت توجیه کرد، اما پاسخ رژیم صهیونیستی به این عملیات، گسترده، ویرانگر و بی‌سابقه بوده است؛ به نحوی که نمی‌تواند منطبق با دفاع مشروع قلمداد شود. کشتار هزاران نفر انسان‌های بی‌گناه غیر نظامی، استفاده از سلاح‌های ممنوعه، تخریب مراکز بهداشتی، بیمارستان‌ها و فروپاشی نظام سلامت، محاصره همه‌جانبه غزه و عدم دسترسی مردم به کالاهای حیاتی مورد نیاز از جمله غذا، آب و دارو که عملاً گسترش قحطی را در پی داشته است، تخریب خانه‌ها و وادار کردن مردمان شمال غزه به کوچ اجباری به مناطق دیگر، بخشی از اقدام آشکار رژیم صهیونیستی بوده است (Sadeghi, 2024:259). که با حمایت آمریکا دامنه این تنش به لبنان و حتی به جمهوری اسلامی ایران نیز کشیده شد و با سقوط حکومت بشار اسد و تجاوز رژیم صهیونیستی به خاک آن کشور ابعاد تازه‌ای هم به خود گرفته است.

سیاست‌های تنش‌زای آمریکا بعد از عملیات ۱۷ اکتبر

بر خلاف ادعای مقامات آمریکایی مبنی بر تلاش برای توقف تنش در غرب آسیا و همچنین بی‌اطلاعی از اقدامات رژیم صهیونیستی، به اعتقاد بسیاری از ناظران بین‌المللی آن رژیم بدون حمایت و کمک آمریکا اقدامی را در منطقه نمی‌توانست انجام دهد. راهبرد موازنه از راه دور که در چهارچوب نظری پژوهش مدنظر بود، بعد از عملیات ۱۷ اکتبر بیش از گذشته در دستور کار آمریکا قرار گرفت و آن کشور نه تنها در قبال این عملیات منفعل نبود بلکه بدون حضور مستقیم در جنگ و با مدیریت فعال از تضعیف متحد اصلی خود به‌عنوان موازنه دهنده در منطقه جلوگیری کرد. بنابراین بعد از عملیات ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ و جنگ بین رژیم صهیونیستی و فلسطین در نوار غزه، آمریکا نه تنها برای کاهش تنش اقدام خاصی انجام نداد بلکه در راستای راهبرد موازنه از راه دور حمایت‌های خود را از رژیم صهیونیستی بیشتر کرد و این حمایت‌ها در ابعاد سیاسی، نظامی و تسلیحاتی، مالی و رسانه‌ای که در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت، موجب تشدید تنش در منطقه شد.

الف) حمایت سیاسی

حمایت سیاسی ایالات متحده از رژیم صهیونیستی به ویژه از زمان تاسیس این کشور در ۱۹۴۸ میلادی تاکنون به یک رکن اصلی در سیاست خارجی آمریکا در چهارچوب راهبرد موازنه از راه دور تبدیل شده است. این حمایت عمدتاً ناشی از منافع استراتژیک مشترک، هم‌پیمانی ایدئولوژیک و روابط عمیق فرهنگی میان دو کشور است که لابی‌های قدرتمند یهود در ایالات متحده، نظیر کمیته روابط عمومی آمریکا-رژیم صهیونیستی^۱، نقش کلیدی در شکل دهی به این سیاست‌ها ایفا می‌کنند و در تقویت روابط میان دو کشور موثرند. آمریکا تاکنون بیش از ۴۳ بار از حق وتوی خود برای رژیم صهیونیستی استفاده کرده است و به نوعی از لحاظ آماری نیز نیمی از وتوهای اعمالی را شامل می‌شود. همچنین مانع از صدور بیش از ۶۰ قطعنامه در خصوص حمایت از فلسطین شده است. این حمایت در عرصه‌های دیگری همچون اجماع کشورهای اسلامی با ۸۹ رأی در خصوص محکومیت سیاست ابهام‌هسته‌ای و پیوستن رژیم صهیونیستی به «ان.پی.تی» در سال ۲۰۰۶ م قابل مشاهده است که آمریکا و رژیم صهیونیستی به آن رأی مخالف دادند و آن را مسکوت گذاشتند. در خصوص مسائل حقوق بشری

نیز به علت سیاست زدگی شورای امنیت و حمایت و تویی آمریکا، علی رغم تلاش‌های شورای حقوق بشر که دو سال پیش از تشکیل رژیم صهیونیستی به وجود آمد، برای محکومیت رژیم توفیق چندانی نداشت (Ganjian Moghaddam & Jafari, 2024: 29).

بعد از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳، ایالات متحده حمایت خود را از رژیم صهیونیستی اعلام و دولت بایدن از تلاش‌های رژیم صهیونیستی برای پایان دادن به حکومت حماس در غزه و تضمین بازگشت گروگان‌ها، حمایت سیاسی و مادی کرده است. بعد از واکنش جنایتکارانه رژیم صهیونیستی به عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳، در حالی که فشار بین‌المللی بر رژیم صهیونیستی برای اعلام آتش بس تشدید شد، لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا در یک کنفرانس مطبوعاتی در تل آویو در ۱۸ دسامبر اعلام کرد، "من اینجا نیستم تا جدول زمانی یا شرایط را به رژیم صهیونیستی دیکته کنم" (Timmerman, 2024:3).

ایالات متحده در طول یک سال گذشته، به تلاش‌های جنگی رژیم صهیونیستی کمک کرده و از این طریق به جای سازش، به هدف راهبرد اساسی رژیم صهیونیستی کمک کرد. ایالات متحده نه تنها از اهرم خود برای تأثیرگذاری بر رژیم صهیونیستی استفاده نکرده بلکه برعکس از آن محافظت کرد. بر دفاع رژیم صهیونیستی از خود دائماً تأکید و در عین حال توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی را نادیده گرفت (Pressman, 2024: 1). آمریکا از رژیم صهیونیستی در شورای امنیت سازمان ملل محافظت کرد. در تاریخ ۲۵ اکتبر ۲۰۲۳، آمریکا یک قطعنامه را که خواستار توقف فوری عملیات نظامی رژیم صهیونیستی بود، وتو کرد. این قطعنامه به دنبال اعتراضات گسترده بین‌المللی تهیه که انتقادهای شدیدی به عملیات رژیم صهیونیستی وارد کرده بود. رأی منفی ایالات متحده به این قطعنامه، به ویژه به خاطر پشتیبانی قوی از رژیم صهیونیستی، باعث عدم تصویب این قطعنامه شد و این موضوع نشان‌دهنده پشتیبانی مستمر ایالات متحده از رژیم صهیونیستی در سطح جهانی بوده است. آمریکا در تمام قطعنامه‌های شورای امنیت که به انتقاد از رژیم صهیونیستی پرداخته بودند یا با منافع این رژیم ناسازگار بودند رأی منفی داد. آمریکا همچنین در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی همچون مجمع عمومی سازمان ملل و اتحادیه اروپا به طور فعال از سیاست‌های رژیم صهیونیستی حمایت کرده است. به ویژه در اجلاس‌های بین‌المللی و نشست‌های عمومی، مقامات امریکایی به طور مداوم از حق رژیم صهیونیستی برای دفاع از خود و

مبارزه با تهدیدات امنیتی دفاع کردند. این حمایت‌ها به طور خاص در اجلاس‌های ویژه و جلسات اضطراری به طور آشکار تجلی یافته و ایالات متحده به طور مستمر از مواضع رژیم صهیونیستی دفاع کرده است. (Abbasi & Demirchilou, 2024: 57)

مسئولیت پذیر نبودن رژیم صهیونیستی در برابر جنایت‌های خود در غزه به واسطه حمایت سیاسی آمریکا از آن رژیم، گستره جغرافیایی تنش در منطقه را گسترش داد و رژیم صهیونیستی در فروردین سال جاری کنسولگری ایران را در دمشق مورد هدف قرار داده و با به شهادت رساندن برخی از مستشاران نظامی ایران در سوریه و همچنین در عملیاتی دیگر با ترور اسماعیل هنیه در تهران تنش در منطقه گسترش و جمهوری اسلامی ایران به صورت مستقیم با آن رژیم درگیر شد که کماکان این وضعیت ادامه داشته است. در لبنان، درگیری‌هایی بین نیروهای رژیم صهیونیستی و حزب الله رخ داد که با ترور سید حسن نصرالله بر تنش‌ها در منطقه افزوده است. علاوه بر این، ارتش یمن و همچنین گروه‌های مختلف شبه نظامی در عراق و سوریه نیز درگیر تشدید خصومت‌ها با رژیم صهیونیستی شدند.

آمریکا بر اساس نظریه موازنه از راه دور، از رژیم صهیونیستی به عنوان تامین کننده منافع خود در منطقه غرب آسیا حمایت سیاسی و دیپلماتیک کرده و این حمایت‌ها بعد از عملیات ۱۷ اکتبر بیشتر شد. آمریکا با هدف تغییر توازن استراتژیک به نفع رژیم صهیونیستی، از همان روز اول بعد از عملیات به صورت صریح از رژیم صهیونیستی حمایت و در مجامع بین‌المللی همچون شورای امنیت اجازه مقابله با جنایت‌های آن رژیم را نداد و اهرم شورای امنیت برای جلوگیری از تشدید تنش را خنثی کرد که همین امر فرصت زیادی را برای رژیم صهیونیستی فراهم کرد تا بدون نگرانی از مجازات در مجامع بین‌المللی به گسترش تنش در منطقه دامن بزند و این موضوع نشان داد که آمریکا با حمایت سیاسی از این رژیم به تصاعد تنش در منطقه کمک زیادی کرده و اگر حمایت‌های آمریکا نبود چه بسا رژیم صهیونیستی نمی‌توانست تنش و درگیری را در منطقه گسترش دهد.

ب) حمایت نظامی و تسلیحاتی

ایالات متحده اولین کشوری بود که رژیم صهیونیستی را در سال ۱۹۴۸ به رسمیت شناخت و برای چندین دهه آن رژیم به عنوان یک شریک راهبردی در زمینه فناوری‌های پیشرفته، نظامی و

اطلاعاتی برای ایالات متحده اهمیت دارد. تصور اینکه رژیم صهیونیستی بدون تهیه بمب، سوخت هواپیما و گرفتن اطلاعات از ایالات متحده می‌توانست این سطح از ویرانی را در غزه ایجاد کند دشوار است (Warren and Nancy, 2024). پس از حملات ۱۷ اکتبر، بایدن اعلام کرد که دولت او کمک‌های نظامی اضافی به رژیم صهیونیستی ارسال خواهد کرد تا رژیم صهیونیستی از این نظر با کمبود مواجه نشود (White House, 2023). بنابراین در میان تمام حمایت‌هایی که ایالات متحده از رژیم صهیونیستی به عمل آورده، کمک‌های نظامی و تسلیحاتی آمریکا رقم غیر قابل قیاسی را با دیگر حوزه‌های حمایتی آمریکا به خود اختصاص می‌دهد. حجم کمک‌های نظامی آمریکا به رژیم صهیونیستی در طی سال ۲۰۲۴ رشد قابل توجهی داشته است و دولت ایالات متحده حداقل ۱۷/۹ میلیارد دلار کمک نظامی و امنیتی برای عملیات نظامی رژیم صهیونیستی در غزه و جاهای دیگر از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا سپتامبر ۲۰۲۴ تصویب کرده است (Bilmes et al, 2024: 4).

شکل ۱. کمک نظامی ایالات متحده به رژیم صهیونیستی از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا سپتامبر ۲۰۲۴ (به میلیون دلار) (Hartung, 2024: 4)

تامین مالی نظامی خارجی	۶۸۰۰ دلار
دفاع موشکی	۴۵۰۰ دلار
دفاع موشکی (گنبد آهنین)	۱۲۰۰ دلار
تسلیمات برای تقویت توپخانه	۱۰۰۰ دلار
تسلیمات تحویل شده به رژیم صهیونیستی از انبارهای ایالات متحده	۴۴۰۰ دلار
مجموع	۱۷٫۹ میلیارد دلار

شکل ۲. تسلیحات ارسالی ایالات متحده به رژیم صهیونیستی، ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا سپتامبر ۲۰۲۴ (Capaccio, 2024)

سوخوت جت JP-8	۴۰۱۲۷٫۰۰۰ کیلوگرم
گلوله توپ ۱۵۵ میلی متری	۵۷۰۰۰ عدد
گلوله مهمات توپ ۳۰ میلی متری	۳۶۰۰۰
اسلحه M4A1	۲۰۰۰۰
موشک ضد تانک	۱۳۹۸۱
بمب Mk82 ۵۰۰ پوندی	۸۷۰۰
دستگاه دید در شب	۳۵۰۰

شکل ۲. تسلیحات ارسالی ایالات متحده به رژیم صهیونیستی، ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا سپتامبر ۲۰۲۴ (Capaccio, 2024)

مهمات حمله مستقیم مشترک	۳۰۰۰
بمب های هدایت نشده Mk84 ۲۰۰۰ پوندی	۱۴۱۰۰
موشک هلفایر هدایت لیزری	۳۰۰۰
بمب شکن پناهگاهی (M141)	۱۸۰۰
بمب ۲۵۰ پوندی با قطر کوچک	۲۶۰۰
پهپاد Switch Blade (سری ۶۰۰)	۲۰۰
پهپاد سری Skydio X	بیش از ۱۰۰
خودروهای تاکتیکی سبک	۷۵

در ارتباط با کمک‌های نظامی ایالات متحده آمریکا به رژیم صهیونیستی، یکی از مسئولین نیروی هوایی رژیم صهیونیستی به هاآرتس می‌گوید: «بدون ارسال تسلیحات آمریکایی به نیروهای دفاعی رژیم صهیونیستی، به ویژه نیروی هوایی، رژیم صهیونیستی بعد از چند ماه از آغاز با مشکل مواجه می‌شد» (haaretz, 2024).

در کنار ارسال تسلیحاتی نظامی، از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، آمریکا تجهیزات و نیروی نظامی اضافی خود را در غرب آسیا مستقر کرده است تا بتواند سامانه‌های دفاعی رژیم صهیونیستی را تقویت کند؛ ایران و گروه‌های مورد حمایت آن را از گسترش جنگ بازدارد و از شرکای عرب منتخب حمایت کند. دولت بایدن از اوایل دسامبر ۲۰۲۳، با ارسال حدود ۱۵۰۰۰ بمب و ۵۷۰۰۰ گلوله توپخانه ارائه کمک‌های نظامی و امنیتی خود را به رژیم صهیونیستی تسریع کرد (Zanotti & Sharp: 2023:7-8).

بنابراین می‌توان گفت آمریکا علی‌رغم ادعای خود مبنی بر تلاش برای برقراری صلح در منطقه، بعد از عملیات ۷ اکتبر بیشترین حمایت‌های نظامی و تسلیحاتی را از رژیم صهیونیستی به عمل آورد. ارسال سلاح‌ها و تجهیزات نظامی پیشرفته و حضور فرماندهان و نیروهای نظامی آمریکا در جنگ، این فرصت را برای رژیم صهیونیستی فراهم کرد تا عملیات نظامی خود را در غزه و دیگر مناطق همچون لبنان، سوریه گسترش داده و همین امر ضمن از بین بردن فرایندهای صلح و دیپلماسی به تشدید تنش در منطقه کمک شایانی کرد و راهبرد موازنه از راه دور آمریکا در منطقه را تقویت کرد.

ج) حمایت مالی و اقتصادی

ایالات متحده آمریکا هر سال سه میلیارد دلار به رژیم صهیونیستی کمک مالی می‌کند. مرشایمر و والت معتقدند، در میان کشورهای دریافت کننده کمک از آمریکا، رژیم صهیونیستی تنها کشوری است که کمک مالی را در ابتدای هر سال مالی به صورت یکجا دریافت کرده و هیچ الزامی در پاسخگویی به آمریکا در خصوص نحوه خرج کردن آن نیز ندارد. (Stauffer, 2003, 24-31).

توماس استافر^۱ اقتصاددان و استاد دانشگاه واشنگتن دی سی در بررسی‌های خود به این نکته تاکید کرده که اگر چه در ظاهر آمریکا سالانه ۳ میلیارد دلار به رژیم صهیونیستی کمک مالی می‌کند اما در عمل این کمک مالی، حدود ۳ تریلیون دلار برای آمریکا هزینه داشته است. وی اعتقاد دارد بودجه رفاه همگانی در آمریکا، تنها معادل ۶۰ درصد کمک مالی پرداخت شده به رژیم صهیونیستی است. به استناد آمار، آمریکا با افزایش قیمت نفت به طور مستقیم یک تریلیون و ۷۰۰ میلیارد دلار و به طور غیر مستقیم یک تریلیون و ۳۰۰ میلیارد دلار به رژیم صهیونیستی می‌پردازد. هم چنین براساس آمار رسمی، کمک سالانه به رژیم صهیونیستی مساوی با حقوق ۲۷۵ هزار متخصص آمریکایی است. ریچارد نیکسون در زمانی که رئیس جمهور بود گفت: «ما ۶۰۰ میلیارد دلار در جنگ رژیم صهیونیستی تولید ناخالص ملی را از دست دادیم و ۴۵۰ میلیارد اضافه پرداخت برای واردات نفت داشتیم و هزینه‌های اضافی برای مالیات دهندگان بین ۷۵۰ میلیارد تا یک تریلیون دلار بود» (Bolln, 2009).

شرل مک آرتور افسر بازنشسته سرویس خارجی ایالات متحده معتقد است: «هزینه‌های کمک به رژیم صهیونیستی غیر از هزینه‌های ناشی از تهاجم و اشغال عراق - که صدها میلیارد دلار برآورد می‌شود - بوده است. به علاوه، مرگ و میر بی حد و حصر هزاران نفر از نیروهای ایالات متحده در عراق، به اعتقاد بسیاری از افراد در جهان عرب، در جهت تامین منافع رژیم صهیونیستی بوده است. در میان سایر هزینه‌های غیرمستقیم و یا متعاقب دیگر هزینه‌ها می‌توان هزینه تحریم‌های اقتصادی یک جانبه ایالات متحده بر ضد ایران، عراق، لیبی و سوریه را نیز اضافه نمود. هزینه تحریم

1 . Thomas R. Stauffer

تولید کنندگان عرب و هزینه‌های شرکت‌های ایالات متحده و مصرف کنندگان از سال ۱۹۷۳ و تحریم نفتی اعراب و در نتیجه افزایش قیمت نفت به عنوان پیامدی از حمایت ایالات متحده از رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود (McArthur, 2008: 2).

علی رغم انتقادات نسبت به حمایت مالی آمریکا به رژیم صهیونیستی، به طور قطع، آن رژیم بزرگترین دریافت کننده کمک‌های اعطایی آمریکا و تنها کشوری است که بیشترین کمک‌های اقتصادی و نظامی آمریکا را دریافت کرده است. این بخشش نشان‌دهنده وابستگی رژیم اشغالگر به آمریکا بوده و استقلال دولت صهیونیستی را به شدت محدود می‌کند. در حقیقت اگر رابطه آمریکا و رژیم اشغالگر را رابطه ویژه بدانیم، این امر سبب می‌شود علت‌های صرفاً واقع‌گرایانه یا ساختارگرایانه در بررسی رابطه مبتنی بر منافع متقابل این دو کشور که حول دو محور متغیرهای نرم و سخت شکل گرفته‌اند، بی‌اثر شود. متغیر نرم در بررسی این رابطه، شناسایی رژیم اشغالگر بر اساس ارزش‌های غربی و دموکراتیک به طور محسوس تر نفوذی را که یهودیان آمریکا و به ویژه گروه‌های لابی قدرتمند طرفدار رژیم اشغالگر در آمریکا اعمال می‌کنند، در بر می‌گیرد. متغیر سخت نیز در درک تلاقی منافع استراتژیک رژیم اشغالگر و آمریکا دلالت دارد. وضعیتی که به هر حال، تاکنون در یک معاهده رسمی دفاعی یا استراتژیک بین این کشور حفظ شده است. واقعیت این است که وسعت کمک مالی اعطا شده به رژیم اشغالگر از طرف آمریکا همیشه موجب پیروی چاپلوسانه این کشور از اهداف و آرمان‌های سیاست خارجی واشنگتن نشده است. حمله رژیم اشغالگر به راکتور هسته‌ای عراق در ژوئن ۱۹۸۱ را می‌توان اقدامی همسو با اهداف سیاست خارجی آمریکا تلقی کرد؛ ولی ساخت و گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین در سرزمین‌های اشغالی با اهداف سیاسی کلان آمریکا در منطقه ناسازگار است (Abolhasan Shirazi et al, 2021: 167-168).

بعد از حملات ۱۷ اکتبر، دولت بایدن یک بسته کمکی به ارزش ۱۴ میلیارد دلار به رژیم صهیونیستی اختصاص داد که هدف از آن، کمک به رژیم صهیونیستی در حفظ ثبات اقتصادی و مقابله با فشارهای ناشی از جنگ بود. این بسته کمکی به گونه‌ای طراحی شده بود که رژیم صهیونیستی بتواند با چالش‌های ناشی از جنگ، به ویژه در بخش‌های حیاتی اقتصادی همچون فناوری و نیروی کار، مقابله کند. به عنوان مثال، حضور گسترده نیروهای ذخیره که از بخش فناوری به جبهه‌های جنگ فراخوانده شده بودند منجر به کاهش تولید و سرمایه‌گذاری در این

بخش شد و این ضعف با کمک‌های آمریکا ترمیم شد. آمریکا تعرفه‌های گمرکی برای برخی از کالاهای وارداتی از رژیم صهیونیستی را کاهش داد تا آن رژیم بتواند صادرات خود را افزایش دهد تا از این طریق بخشی از ضررهای اقتصادی ناشی از جنگ را جبران کند. آمریکا همچنین همکاری‌های اقتصادی و تجاری در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر را با رژیم صهیونیستی تقویت کرد. این همکاری‌های شامل سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انرژی خورشیدی و بادی است که نه تنها به رژیم صهیونیستی در کاهش وابستگی به منابع انرژی کمک می‌کند، بلکه زمینه ساز ایجاد شغل‌های جدید در این کشور نیز می‌باشد. علاوه بر این، آمریکا برنامه‌های آموزشی و کمک‌های فنی به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار برای بهبود مهارت‌های نیروی کار رژیم صهیونیستی در بخش‌های فناوری و نوآورانه ارائه داد. این برنامه‌ها با هدف تقویت ظرفیت‌های داخلی رژیم صهیونیستی در مقابله با چالش‌های اقتصادی پس از جنگ طراحی شدند. (Middle East Eye, 2024)

در کل می‌توان گفت، عملیات ۱۷ اکتبر به عنوان یکی از گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین عملیات‌های نظامی علیه رژیم صهیونیستی، تأثیرات عمیقی بر امنیت اقتصادی این رژیم برجای گذاشت. این عملیات نه تنها رژیم صهیونیستی را از منظر نظامی تحت فشار قرار داد، بلکه موجب تضعیف بنیان‌های اقتصادی آن نیز شد. این رژیم در ماه‌های نخست پس از عملیات، میلیاردها دلار برای بازسازی زیرساخت‌های نظامی، تقویت سامانه‌های دفاعی مانند گنبد آهنین و استقرار نیروهای ذخیره هزینه کرد. گسترش و ادامه جنگ با این همه فشارهای اقتصادی بدون حمایت آمریکا تحقق پیدا نمی‌کرد، بنابراین آمریکا در راستای سیاست موازنه از راه دور، کمک‌های مالی خود را افزایش و همین امر زمینه حملات گسترده و تصاعد تنش در منطقه را موجب شد.

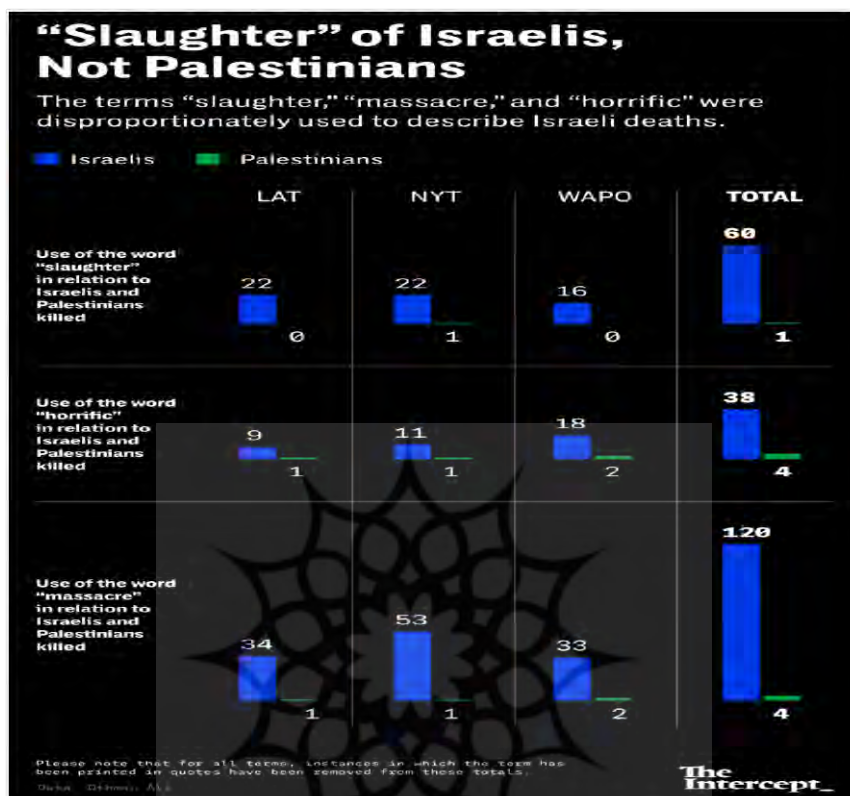
د) حمایت رسانه‌ای

در سطح رسانه‌ای، بسیاری از رسانه‌های معتبر آمریکایی همچون نیویورک تایمز، واشنگتن پست، سی‌ان‌ان و فاکس نیوز، در پوشش اخبار و تحلیل‌های مرتبط با رژیم صهیونیستی، معمولاً مواضع حمایتی نسبت به این رژیم اتخاذ می‌کنند. بنابراین در کنار حمایت‌های سیاسی، مالی و نظامی ایالات متحده از رژیم صهیونیستی بعد از عملیات ۱۷ اکتبر، شاید کمک رسانه‌ای آمریکایی‌ها جایگاه ویژه‌تری داشته باشد که معمولاً از چشم‌ها پنهان می‌ماند. جنایت‌های مستمر و سنگین رژیم صهیونیستی در نوار غزه به شدت افکار عمومی را علیه رژیم صهیونیستی بسیج کرد.

اگر چه در این میان وجود شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، موجب انتقال اطلاعات و داده‌های واقعی بین مردم شد اما رسانه‌های آمریکایی حمایت بی‌مثالی از رژیم صهیونیستی به عمل آوردند. خوانش تیرهای رسانه‌های آمریکایی در دوره جنگ در نوار غزه، به تنهایی می‌تواند این مسئله را اثبات کند که تمام توان رسانه‌های آمریکایی در این مدت روی تخریب مقاومت و بازسازی چهره رژیم صهیونیستی متمرکز بوده است. این حمایت‌ها تا جایی استمرار یافته‌اند که حتی اعتراضات دانشگاهیان در آمریکا و اروپا توسط این رسانه‌ها، منعکس نشدند و اگر اخباری از آنها منتشر شد همگی تلاش در منفی بودن این اقدامات مردمی داشتند. علاوه بر این وجه مدیریت افکار عمومی، رسانه‌های آمریکایی در شایعه‌سازی علیه مقاومت و تشویق افکار عمومی در میان حامیان فلسطین و مقاومت نیز سهم به سزایی داشته‌اند.

تحلیل اینترسپت از پوشش رسانه‌ای روزنامه‌های نیویورک تایمز، واشنگتن پست و لس‌آنجلس تایمز نشان می‌دهد که پوشش خبری جنگ رژیم صهیونیستی در غزه، یک سوگیری مداوم علیه فلسطینی‌ها است. رسانه‌های مکتوب که نقش مؤثری در شکل دادن به افکار عمومی ایالات متحده در مورد مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین دارند، به محاصره بی‌سابقه ساکنین غزه و بمباران آنها کمتر توجه کرده‌اند. روزنامه‌های بزرگ ایالات متحده به طور نامتناسب بر کشته شدن نیروهای رژیم صهیونیستی در درگیری تأکید کرده و از زبان احساسی برای توصیف قتل‌های رژیم صهیونیستی‌ها استفاده می‌نمایند، اما کشتار فلسطینی‌ها و عمدتاً نژادپرستی ضد مسلمانان را در پی ۱۷ اکتبر نادیده می‌گیرند. اینترسپت بیش از ۱۰۰۰ مقاله از نیویورک تایمز، واشنگتن پست و لس‌آنجلس تایمز در مورد جنگ رژیم صهیونیستی علیه غزه را گردآوری و کاربرد برخی از اصطلاحات کلیدی و زمینه استفاده از آنها را بررسی کرده که نتایج بررسی نشان دهنده عدم تعادل فاحش در نحوه پوشش چهره‌های رژیم صهیونیستی و طرفدار رژیم صهیونیستی در مقابل فلسطینی‌ها و صداهای طرفدار فلسطین است. (Johnson & Ali, 2024).

در نیویورک تایمز، واشنگتن پست و لس‌آنجلس تایمز، با وجود اینکه مرگ فلسطینیان بسیار بیشتر از مرگ‌های رژیم صهیونیستی است، کلمه «رژیم صهیونیست» بیشتر از «فلسطین» به چشم می‌خورد. برای نمونه پوشش اصطلاح «قتل عام» یا «کشتار» در این سه رسانه همین نکته است.



منبع: (Johnson & Ali, 2024)

همچنین مطالعه انجام شده درباره برنامه‌های گفتگوی خبری در شبکه‌های CBS، FOX و ABC نشان می‌دهد؛ الگوهای مشابهی در دعوت از مهمانان برنامه مربوط به غزه، بوده است. این برنامه‌ها تا حدودی تالارهای گفتگوی سیاسی نخبگان هستند و اگرچه نفوذ اخباری که در گذشته داشتند را ندارند؛ اما هنوز هم مخاطبان بیشتری جذب کرده و مباحث مطرح شده در این گفتگوها تیتراژ خبرها می‌شوند. در برنامه‌هایی مانند (NBC) Meet the Press، (CBS) Face the Nation، (ABC) This Week و (FOX) Fox News Sunday به طور عمده مهمانان دعوت شده طرفدار رژیم صهیونیستی بوده و محرک‌های غالب این گفتگوهای یک‌جانبه، مقامات و سخنگویان ایالات متحده، مانند آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه و جان کربی، سخنگوی امنیت ملی کاخ سفید بودند (Youmans, 2024).

بنابراین در خصوص حمایت‌های رسانه‌ای می‌توان گفت، آمریکا برای حمایت‌های سیاسی، نظامی و مالی خود از رژیم صهیونیستی به حمایت افکار عمومی در جامعه نیاز داشت که رسانه‌های آمریکایی نقش مهمی در این زمینه ایفا کرده و توجیه‌کننده حملات رژیم صهیونیستی به غزه و سایر مناطق بودند. البته با وجود حمایت رسانه‌های آمریکا از رژیم صهیونیستی بعد از عملیات طوفان الاقصی، موج حمایت از فلسطین در غرب و به ویژه در دانشگاه‌های آمریکا شکل گرفت که این حمایت‌ها نشان داد در دنیای کنونی مرجعیت رسانه‌های اصلی به ویژه برای نسل جوان از بین رفته و این نسل اخبار خود را به صورت آزادانه و از رسانه‌های دیگری دریافت می‌کنند، رسانه‌های مختلف همچون شبکه‌های اجتماعی امروزه نقش اصلی را در تغذیه فکری نسل جوان بر عهده دارند و وجود همین رسانه‌ها موجب شد تا افکار عمومی در جهان نسبت به کشتار مردم غزه حساسیت نشان دهند و اگرچه شاید نتوانستند بر جلوگیری از نقش آمریکا در تشدید تنش در غرب آسیا تأثیر گذار باشند ولی نشان دادند که در صورت برنامه‌ریزی مناسب، در آینده می‌توانند در شکل دهی به افکار عمومی نقش مهمی ایفا نمایند.

در کل می‌توان گفت، راهبرد موازنه از راه دور آمریکا بعد از عملیات ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ به بهترین شکل ممکن در منطقه غرب آسیا عملیاتی شد و آن کشور از رژیم صهیونیستی به عنوان موازنه دهنده منافع آمریکا در منطقه، حمایت‌های سیاسی، تسلیحاتی و نظامی، مالی و اقتصادی و رسانه‌ای انجام و در سایه همین حمایت‌های همه جانبه آن کشور بود که رژیم صهیونیستی آتش جنگ و درگیری را نه تنها در غزه، بلکه به سایر مناطق غرب آسیا گسترش داد. بنابراین مباحث مربوط به حمایت‌ها نشان داد، آمریکا بیش از تلاش برای جلوگیری از گسترش تنش، یکی از عوامل کلیدی در بی‌ثباتی و افزایش تنش‌ها در منطقه غرب آسیا بوده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

براساس یافته‌های پژوهش؛ آمریکا بعد از عملیات ۱۷ اکتبر براساس سیاست «موازنه از راه دور»، حمایت‌های همه جانبه را از رژیم صهیونیستی به عمل آورده که این حمایت‌ها در ابعاد سیاسی، تسلیحاتی، مالی و رسانه‌ای فرصت را برای رژیم صهیونیستی فراهم کرده تا تنش را در منطقه غرب آسیا گسترش دهد. در موضوع حمایت‌های سیاسی؛ بعد از عملیات ۱۷ اکتبر، آمریکا

با سفر مقامات آن کشور به سرزمین‌های اشغالی حمایت سیاسی صریح خود را از رژیم صهیونیستی اعلام نمود. آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل با وتوی قطعنامه‌های پیشنهادی برای ایجاد آتش بس، اهرم شورای امنیت برای جلوگیری از تشدید تنش را از بین برده و علی‌رغم ادعاهایی مبنی بر تلاش برای مهار درگیری، با حمایت‌های یک‌جانبه خود به تشدید تنش در منطقه کمک کرد. در موضوع حمایت تسلیحاتی و نظامی، آمریکا از همان ابتدای درگیری، کمک‌های تسلیحاتی خود را به رژیم صهیونیستی ارسال و تا سپتامبر ۲۰۲۴ ارزش واقعی تسلیحات ارسالی به آن رژیم به حدود ۱۸ میلیارد دلار رسید. آن کشور ناوهای هواپیمابر خود را به منطقه اعزام و برخی فرماندهان و نیروی عملیات ویژه آمریکا در جنگ حضور داشته و مستقیماً هدایت صحنه نبرد را برعهده گرفتند که همین حمایت‌های تسلیحاتی و نظامی موجب شد رژیم صهیونیستی بدون نگرانی از تضعیف توان نظامی خود به گسترش جنگ و تنش در منطقه دامن بزند. در موضوع حمایت‌های مالی و اقتصادی، بعد از عملیات ۷ اکتبر دولت بایدن برای حفظ ثبات اقتصادی و مقابله با فشارهای ناشی از جنگ، بسته کمکی ۱۴ میلیارد دلاری را برای رژیم صهیونیستی در نظر گرفت. آمریکا همچنین تهرقه گمرکی برخی کالاهای وارداتی از رژیم صهیونیستی را با هدف افزایش صادرات، کاهش داد و با توسعه همکاری‌های اقتصادی و تجاری در زمینه‌های مختلف و تقویت توان مالی و اقتصادی تضعیف شده، حمایت مالی خود را از رژیم صهیونیستی به عمل آورد و از این طریق به صورت غیر مستقیم به تشدید تنش در منطقه کمک کرد. در موضوع حمایت رسانه‌ای نیز آمریکا در تشدید تنش تأثیرگذار بود چرا که افکار عمومی را مدیریت و از نقش بازدارندگی آن جلوگیری کرد، رسانه‌های آمریکا بعد از عملیات ۷ اکتبر به تخریب گروه‌های مقاومت و بازسازی چهره رژیم صهیونیستی متمرکز شدند. حمایت‌ها از مردم فلسطین که در اعتراضات دانشگاهی نمود بیشتری داشت، در رسانه‌های آمریکا منعکس نشد، بررسی تیت‌های خبری، مقالات منتشر شده در رسانه‌های آمریکایی و برنامه‌های گفتگوی خبری در شبکه‌ها، بیانگر حمایت یک طرفه از اقدام‌های رژیم صهیونیستی بود و آن رژیم در سایه چنین حمایت‌هایی و بدون توجه به افکار عمومی جهان جنگ و تنش را در منطقه گسترش می‌داد. به طور کلی می‌توان گفت اگرچه آمریکا وانمود می‌کرد که برای کاهش تنش در منطقه تلاش می‌کند؛ اما حمایت‌های سیاسی، تسلیحاتی، مالی و رسانه‌ای آمریکا از رژیم صهیونیستی بعد

از عملیات ۱۷ اکتبر، به یکی از عوامل کلیدی در بی‌ثباتی و افزایش تنش‌ها در منطقه غرب آسیا منجر شد و این روند، راه حل‌های دیپلماتیک و صلح‌آمیز با محوریت مجامع بین‌المللی و برخی کشورها را با مشکلات زیادی مواجه کرد.

پیشنهاد

- با توجه به اینکه برخی بازیگران نظام بین‌الملل در راستای تامین منافع خود به رفتارهای خشونت‌آمیزی همچون جنگ متوسل می‌شوند، نهادهای بین‌المللی حقوقی باید از همان ابتدای آغاز جنگ از ظرفیت‌های قانونی خود برای مقابله با این رفتارها استفاده نمایند.
- حمایت آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل از جنایت‌های رژیم صهیونیستی، بار دیگر ناکارآمدی آن نهاد را برای ایجاد صلح و امنیت به اثبات رساند، بنابراین اصلاح ساختار شورای امنیت سازمان ملل باید یکی از مطالبات جدی کشورها و نهادهای غیر دولتی باشد.
- برای جلوگیری از آسیب‌های ناشی از جنگ و تنش در منطقه غرب آسیا، راه حل‌های دیپلماتیک و صلح‌آمیز باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.
- با توجه به تبلیغات رسانه‌ای غرب مبنی بر نقش جمهوری اسلامی ایران در گسترش درگیری بعد از عملیات ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، باید از ظرفیت‌های دیپلماسی و رسانه‌ای برای تنویر افکار عمومی در خصوص نقش آمریکا در تشدید تنش در منطقه غرب آسیا، استفاده گردد.

فهرست منابع

- Abbasi, Majid; Demirchilou, Fatemeh. (2024). "U.S. Foreign and Security Policy in the Gaza Crisis (2023-2024)." *American Strategic Studies Quarterly* 4(15). (In Persian) Doi: 10.27834743/ASS.2411.1259.2
- Abolhasan Shirazi, Habibollah; Ghorbani Sheikhneshin, Arsalan; Simbar, Reza. (2021). *Politics and Governance in West Asia*. Tehran: SAMT Publications. (In Persian)
- Ahouei, Mehdi. (2016). "An Analysis of U.S. Alliance Strategies in West Asia and Probable Options Toward Iran." *International Relations Research Quarterly* 1(23). (In Persian)
- Alonso, Carmen Pedruelo (2018) "The evolution of US foreign policy in regard to Israel under changing Administrations: from Obama to Trump" *Universidad Pontificia Comillas*.
- Balaiah, S. (2022) *The Middle East in 2021: Protraction of never-ending wars and conflicts*. NIAS Area Studies, No. 6, February 2022
- Bilmes, J. Linda, Hartung, D. William and Semler, Stephen (2024), *United States Spending on Israel's Military Operations and Related U.S. Operations in the Region*, Watson Institute for International & Public Affairs, Brown University. October 7, 2023 – September 30, 2024
- Bollyn, Christopher (2009), "The Real Cost Of US Support For Israel - \$3 Trillion" at: <http://rense.com/general41/trill.htm>
- Capaccio, A. (2024, November 14). U.S. Is Quietly Sending More Ammunition, Missiles. *Bloomberg*. <https://www.reuters.com/world/us-has-sent-israel-thousands-2000-pound-bombs-since-oct-7-2024-06->
- Farrokhi Cheshmeh Soltani, Majid; Attar, Saeed. (2018). "The 'Offshore Balancing' Strategy and U.S. Foreign Policy (With Emphasis on West Asia)." *Afagh-e Amniyat* 11(38). (In Persian)
- Ganjan Moghaddam, Alireza; Jafari, Ali Akbar. (2024). "The Iran-U.S. Foreign Policy Confrontation Regarding the Zionist Regime in West Asia (Focusing on the October 7 Operation and 'Va'deh Sadegh')." *Strategic Environmental Studies of I.R. Iran* 8(28). (In Persian) Doi: 20.1001.1.28212673.1403.8.3.7.
- Ghiyasvandi, Fatemeh; Torkashvand, Jalal. (2017). "The U.S., Proxy Wars, and West Asian Security." *Political Research Quarterly of the Islamic World* 7(4). (In Persian)
- Gohari Moghaddam, Abuzar; Hazrati Razliqi, Mohammad Amin. (2022). "Prospects of the U.S. Probable Strategy in West Asia and Its Policy Requirements." *Strategic Studies of Public Policy Quarterly* 12(44): 128-153. (In Persian) Doi: 10.22034/sspp.2022.699884
- Gultom, Y. S. M., & Miftah, H. Z. (2024). *The Role of the Jewish Lobby Toward US Foreign Policy Making on the 2023 Israel-Palestine War (Case of AIPAC)*. Hasanuddin Journal of Strategic and International Studies (HJSIS), 2(2), 38-49.
- Hartung, W. (2024). *U.S. Support for Israel's Military Operations Since October 7, 2023*: <https://watson.brown.edu/costsofwar/papers/2024/UsspendingIsrae>
- Javadi Arjmand, Mohammad Jafar; Parhizkar, Amin; Khezri, Ehsan. (2016). "Barack Obama's Foreign Policy in West Asia and North Africa Until 2015." *International Relations Studies Quarterly* 9(36). (In Persian)
- Joel Beinin, Bassam Haddad, and Shirin Siavoshi. (2022). *A New Perspective on the Political Economy of West Asia and North Africa*. Translated by: S. Amir NiaKouei and Reza Simbar. Tehran: Mokhtab Publications. (In Persian)

- Johnson Adam & Othman Ali (2024), Coverage of Gaza War in the New York Times and other Major Newspapers Heavily Favored Israel, Analisis Shows at: <https://theintercept.com/2024/01/09/newspapers-israel-palestine-bias-new-york-times/>
- Krieg, A. (2016), "Externalizing the burden of war: the Obama Doctrine and US foreign policy in the Middle East", International Affairs, Vol. 92, No.1
- Layne, C (1997). "From Preponderance to Offshore Balancing: America's Future Grand Strategy," International Security 22, 1: 86-124,
- Mersheimer, J., & Walt, S. (2016). The Case for Offshore Balancing, A Superior U.S. Grand Strategy. Foreign Policy, pp.70-83
- McArthur, Shirl. (2008), A Conservative Estimate of Total Direct U.S. Aid to Israel Almost 114 Billion, retrieved from: <http://www.ifamericansknew.org/download/cost-new.pdf> on 25/12/2013.
- Middle East Eye. (2024). War on Gaza: Despite US aid, Israel's economy has been hit hard": <https://www.middleeasteye.net/opinion/gaza-war-israel-economy-hard-hit-despite-us-aid>
- Miglietta, J. P. (2022). American Alliance Policy in the Middle East 1945-1992; Iran, Israel, and Saudi Arabia. Lanham: Lexington Books.
- Mohammadzadeh Ebrahimi, Farzad; Maleki, Mohammad Reza; Emam Jomehzadeh, Seyed Javad. (2016). "Obama's Middle East Strategy: From Responsibility Transfer to Limited Engagement." International Political Research Quarterly (25). (In Persian)
- Motaqi, Ebrahim; Bagheri, Mohammad Reza. (2004). "The Role of the Zionist Regime's Extremist Lobby Group in U.S. Foreign Policies in West Asia." Defense Policy Quarterly (48). (In Persian)
- NiaKouei, Seyed Amir; Amani, Farideh. (2024). "U.S. Foreign Policy Toward the Zionist Regime and Its Implications for Iran's National Security (2020-2024)." West Asia Quarterly 2(5). (In Persian) Doi: 10.22034/wasj.2024.444894.1044
- Orhan ,Ertuğrul Buğra.(2024)." The Us Approach To The October 7 Attacks And The Israel-Hamas Conflict In The Context Of Antony Blinken's Discourses, Akdeniz İİBF Dergisi ,24 (2) 49-58.
- Pishgami Fard, Zahra; Rahmani, Mohammad Ali. (2011). The Territorial Ambitions of Iran and the U.S. in West Asia. Tehran: Geographical Organization Publications. (In Persian)
- Pressman, Jeremy(2024), Mind the Gap: U.S. Preferences and Israel's War Conduct, Quincy Institute for Responsible Statecraft.
- Sadeghi, Mahdi Reza. (2024). "Assessing the Possibility of Genocide in Gaza by the Zionist Regime in Light of the Al-Aqsa Storm Operation (October 7, 2023)." Legal Studies Quarterly 16(1). (In Persian) Doi: 10.22099/jls.2024.49213.5089
- Salem, Paul (2024), "The US' Role Since 7 October and the Implications for US-Middle East Relations" at: <https://www.irmed.org/publication/the-us-role-since-7-october-and-the-implications-for-us-middle-east-relations/>
- Shafiei, Seyed Mohammad; Golmohammadi, Amirreza. (2024). "Examining the Outcomes of the October 7 Operation in Hegemonic Rivalries and the Role of Regional Actors in West Asia." Afagh-e Olum-e Ensani 8(88). (In Persian)
- Stauffer, Thomas R. (2003), The Costs to American Taxpayers of the Israeli Palestinian Conflict: 3 Trillion, retrieved from <http://www.Ifamericansknew.org/stats/stauffer.html> on 25/12/2013.
- Timmerman, K. R. (2024). Israel's War of Survival and the End of the Two-State Solution.at: <https://americafirstpolicy.com/issues/israels-war-of-survival-and-the-end-of-the-two-state-solution>.

- Youmans, William(2024), Accounting For The Biases In U.S. Media Coverage Of Gaza, March 20, 2024at: <https://dawnmena.org/accounting-for-the-biases-in-u-s-media-coverage-of-gaza/>
- White House,(2023) "Remarks by President Biden on the Terrorist Attacks in Israel," October 10, 2023. At: <https://ru.usembassy.gov/remarks-by-president-biden-on-the-terrorist-attacks-in-israel-2/>
- Warren P. Strobel and Nancy A.Youssef,(2024),"U.S. and Israel's 'Unprecedented' Intelligence Sharing Draws Criticism," The Wall Street Journal, March 31, 2024, <https://www.wsj.com/politics/national-security/u-s-and-israels-unprecedented-intelligence-sharing-drawscriticism-a85979b4>
- www.haaretz.com/israel-news/2024-09-02/ty-article%20magazine/.premium/without-u-s-aid-israel-would-have-struggled-to-fight-in-gaza-beyond-a-few-months
- Zanotti, J., Sharp, Jeremy, M. (2023), Israel and Hamas 2023 Conflict In Brief: Overview,U.S. Policy, and Options for Congress, CRS Report: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/R/R47828>

